فهرست مطالب

[مطالب مرتبط با احتمال تأثیر 2](#_Toc496089595)

[1. شرطیت احتمال عقلایی تأثیر 2](#_Toc496089596)

[2. احتمال تأثیر در بازه زمانی متفاوت 2](#_Toc496089597)

[3. احتمال تأثیر تام یا ناقص 3](#_Toc496089598)

[4. احتمال تأثیر در غیر از مخاطب مورد نظر 3](#_Toc496089599)

[5. احتمال تأثیر در مصالح عالیه غیر از موضوع خاص مورد نظر 4](#_Toc496089600)

[6. عدم تأثیر وعظ و تأثیر در جلوگیری از بدبینی‌ها نسبت به دین و شرع 4](#_Toc496089601)

[احتمالات هفت‌گانه تأثیر معکوس وعظ و ارشاد 5](#_Toc496089602)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تأثیر در تربیت**

**اشاره**

همان‌طور که در امربه‌معروف گفته‌شده، در همه روش‌ها و شیوه‌های تعلیم و تربیت، قاعده احتمال تأثیر حاکم است.

هفت نوع تقریر و احتمال برای احتمال تأثیر ذکر شد، مهم‌ترین دلیل‌های این اصل، عبارت است از:

حکم عقل و قرینه لبّیه که موجب انصراف دلیل می‌شود، ادله‌ای که بیان می‌کند: «**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**»[[1]](#footnote-1)، یا موعظه کنید یا ارشاد بکنید و امثالهم، مطلق است، باوجود حکم عقل، یک انصراف یا تقیید به‌جایی که احتمال تأثیر داده می‌شود، پیدا می‌کند.

# مطالب مرتبط با احتمال تأثیر

ضمن دلیل اول و قرینه لبّیه و حکم عقل چند مطلب بیان شده است:

## 1. شرطیت احتمال عقلایی تأثیر

در اینجا هفت احتمال وجود دارد، درنهایت نتیجه‌ای که به دست آمد این است که احتمال عقلایی تأثیر شرط است.

 دو صورت از هفت صورت از این اطلاق خارج است:

1. جایی که یقین داشته باشد به اینکه اقدام تعلیمی و تربیتی او اثر ندارد.

2. اطمینان داشته باشد که احتمال مقابلش غیر عقلایی است و اطمینان دارد که اقدامش اثر ندارد.

## 2. احتمال تأثیر در بازه زمانی متفاوت

احتمال تأثیر ممکن است، در یک بازه زمانی خیلی سریع باشد، ممکن است تأثیر میان‌مدت یا بلندمدت باشد، درست است که اقدامات تربیتی مشروط به احتمال تأثیر هستند، اما احتمال تأثیر زودهنگام یا میان‌مدت و یا بلندمدت فرقی نمی‌کند، همین‌که اقدام او اثری در شخص می‌کند، کفایت می‌کند، می‌داند که این فرد تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، واکنش مثبتی نشان نمی‌دهد، اما می‌داند یا احتمال عقلایی می‌دهد که با یک‌ فاصله‌ای، اثر می‌گذارد و واکنش مثبت نشان می‌دهد.

البته برای میان‌مدت و بلندمدت، باید احتمال عقلایی تأثیر داده بشود، طبعاً هر چه فاصله بگیرد، این احتمال ضعیف‌تر می‌شود، «یکفی احتمال التأثیر ولو فی المستقبل القریب أو البعید أما مادام الاحتمال عقلائیاً».

## 3. احتمال تأثیر تام یا ناقص

احتمال تأثیر گاهی به شکل تمام و کمال است، گاهی به شکل ناقص است، به طور مثال به خانمی می‌گوید: موی خود را بپوشان، بعد از اقدام زن به پوشاندن مو، حجابش کامل و شرعی می‌شود، گاهی هم این خانم ازنظر حجابی بهتر می‌شود، اما محجبه شرعی نمی‌شود.

گاهی اقدام به وعظ، کاهش در معصیت دارد، گاهی تأثیر تام و گاهی تأثیر ناقص دارد، گاهی ممکن است که اقل و اکثر ارتباطی باشد، به طور مثال گفته می‌شود که حلق لحیه حرام است، حتی به شکل پروفسوری هم حرام است، اگر به او نگوید، همه ریش را می‌زند، اما اگر بگوید، پروفسوری می‌زند، در هر دو حال کار حرام انجام می‌دهد، در اینجا تکلیف ساقط می‌شود، برای اینکه اقل و اکثر ارتباطی است، اما درجایی که معصیت حالت انحلالی دارد و اقل و اکثر استقلالی است، احتمال تأثیر داده شود، خواه تام یا ناقص باشد، تکلیف را منجز می‌کند.

## 4. احتمال تأثیر در غیر از مخاطب مورد نظر

مطلب چهارم ضمن دلیل عقلی این است که احتمال تأثیر نسبت به خود مخاطب ملاک است، یا نسبت به دیگر مخاطبان هم ملاک است؟

احتمال تأثیر وعظ ناظر به شخص مخاطب است، گاهی احتمال تأثیر راجع به مخاطب نیست، اما نسبت به دیگران احتمال تأثیر داده می‌شود، در اینجا حکم عقل این است که این وعظ باید اثری داشته باشد، لازم نیست اثر نسبت به مخاطب معین داشته باشد، اگر نسبت به دیگری اثر دارد، برای تنجز تکلیف کفایت می‌کند.

در حقیقت صورت دوم، دو حالت دارد:

1 – حالت اول این است که وقتی به خود شخص به صورت مستقیم گفته شود، اثر ندارد، اما غیرمستقیم اثر دارد، در این صورت خواه این شخصی که به او وعظ می‌کند که دیگری به طور غیرمستقیم وعظ را دریافت کند، مخاطب وعظ باشد یا نباشد، فرقی نمی‌کند، در این صورت حتماً باید وعظ به صورت غیرمستقیم گفته شود.

2 – گاهی هر دو نفر مورد خطاب وعظ هستند، می‌داند که غیرمستقیم فرد دوم تأثیر مثبت را پذیرا است و همچنین احتمال تأثیر به صورت مستقیم را هم می‌دهد، لذا در این صورت مخیر است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وعظ را به فرد دوم بگوید، اما در حالت اول متعیناً باید فقط به صورت غیرمستقیم وعظ را به طرف دوم برساند.

## 5. احتمال تأثیر در مصالح عالیه غیر از موضوع خاص مورد نظر

مطلب پنجم این است که گاهی امرونهی و وعظ و ارشاد و امثالهم در همان موضوع خاص تأثیر می‌گذارد، گاهی در یک مصالح عالیه تأثیرگذار است، مانع مفاسد دیگر می‌شود، ولو اینکه در آن موضوع خاص اثر نگذارد، در اینجا بعید نیست گفته شود: ملاکاً اینجا باید وعظ انجام بشود، در اینجا دو احتمال است:

1 – امرونهی و وعظ و ارشاد و امثالهم، متعلقش یک موضوع خاصی است، اینکه اگر احتمال تأثیر عقلایی داده نمی‌شود، تکلیف ساقط است، برای اینکه همه خطاب‌ها، ناظر به یک تکالیف معین است.

2 – احتمال دوم این است که یک مصالح دیگر دینی مترتب می‌شود، ولو اینکه خصوص این موضوع خاص، مترتب بر فعالیت تربیتی نشود، در چنین احتمالی عدم ترتب موضوع خاص بر فعالیت تربیتی کفایت بر ساقط شدن تکلیف نمی‌شود.

اظهر و اولی احتمال دوم است، برای اینکه اطلاقاتی که هست، تکالیف را ذکر کرده، مقید لفظی هم نیست، باعقل و دلیل لبّی تقیید می‌شود که در صورت تقیید هم عقل می‌گوید وعظ نباید بی‌تأثیر باشد و تأثیر در مصالح عام و دینی نیز در تعلق تکلیف کفایت می‌کند.

## 6. عدم تأثیر وعظ و تأثیر در جلوگیری از بدبینی‌ها نسبت به دین و شرع

مطلب ششم این است که وعظ هیچ تأثیری نمی‌گذارد اما مانع بدبینی‌هایی نسبت به دین و شرع می‌شود، حضرت امام در تحریر این مطلب را دارند، درواقع نگفتن و اقدام نکردن در امربه‌معروف، موجب مفاسدی می‌شوند، ولو اینکه تأثیری در خصوص آن امرونهی نداشته باشد.

در مطلب ششم اقدام وعظ برای این است که جامعه نسبت به آن فرد بدبین نشوند، در اینجا دو طریق استدلال دارد:

1 – اطلاقات امربه‌معروف و نهی از منکر، اینجا را در برمی‌گیرد.

2 – اطلاقات اینجا را در برنمی‌گیرد، بلکه ادله‌ای دیگر وجود دارد که می‌گوید: برای حفظ آبروی دین، علما و امثالهم، این کار را انجام بده.

اگر استدلال اول پذیرفته شود، احتمالش منجز است، اما اگر استدلال دوم پذیرفته شود، باید احراز بشود.

اگر از راه اطلاقات امربه‌معروف و نهی از منکر گفته شود که این کار اثری ندارد، مگر اینکه بدبینی از او رفع می‌شود، در اینجا احتمالش هم وجود داشته باشد، تکلیف ساقط نیست و باید انجام بشود.

اگر گفته شود اطلاقات ادله در اینجا نیست، بلکه ادله دیگری این بیان را دارد که کارها به عنوان‌های ثانوی انجام بشود، در آنجا احتمالش منجز نیست، باید اطمینان وجود داشته باشد که این کار حیثیت آن فرد را به‌عنوان یک حیثیت دینی حفظ می‌کند.

بحث‌هایی که گذشت، در خصوص احتمال تأثیر بود، بحث دیگر تأثیر معکوس داشتن است، گاهی اقدامات تربیتی و امرونهی‌ای، اثر معکوس می‌گذارد، اگر وعظ یا ارشاد را انجام بدهد در مخاطب موردنظر تأثیر معکوس می‌گذارد.

# احتمالات هفت‌گانه تأثیر معکوس وعظ و ارشاد

در تأثیر معکوس هم هفت صورت است:

1 – یقین به تأثیر معکوس دارد.

2 – اطمینان به تأثیر معکوس دارد.

3 – ظن معتبر مثل بیّنه به تأثیر معکوس دارد.

4 – ظن غیر معتبر به تأثیر معکوس دارد.

5 – احتمال به تأثیر معکوس دارد.

6 – احتمال عقلایی تأثیر معکوس دارد، احتمال مرجوح، اما عقلایی است.

7 – احتمال خیلی ضعیف به تأثیر معکوس دارد.

اگر تأثیر مثبت شرط نشود، آیا احتمال تأثیر معکوس می‌تواند تکلیف را رفع بکند یا خیر؟

1. **- تحریم / 6.** [↑](#footnote-ref-1)